

بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده بر گرایش به مدرنیسم در جوانان خرم

آباد

فرهاد طهماسبی نادری

دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). n.ahari@yahoo.com

مجید کاشانی

گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی دلاور

گروه علوم تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم یافته) با چهار مؤلفه «فعال گرایی، خردگرایی، عام گرایی و همگرایی» بر گرایش به مدرنیسم در بین جوانان است. هدف فرعی شامل شناسایی تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده بر وضعیت گرایش جوانان به مدرنیسم در متغیرهای چهارگانه مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی است.

روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نوع توصیفی، تبیینی و از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه جوانان به تعداد ۵۴ هزار نفر است که با استفاده از جدول مورگان و کرجسی تعداد ۷۷۳ نفر به عنوان نمونه مشخص و با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای این تعداد از بین جامعه آماری انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته بوده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss و matlab استفاده شد و با بهره‌مندی از روش فازی، فرضیه‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که اولاً "با افزایش هر کدام از مولفه‌های چهارگانه، سرمایه فرهنگی درونی شده افزایش می‌یابد و ثانیاً "سرمایه فرهنگی درونی شده در گرایش به مدرنیسم در بین جوانان شهز خرم آباد در متغیرهای چهارگانه مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی موثر است و هر چه میزان آن بیشتر شود این گرایش بیشتر می‌شود.

کلید واژه‌ها: سرمایه فرهنگی درونی شده، عام گرایی، فعال گرایی، خردگرایی و مدرنیسم.

مقدمه

در این مقاله تلاش شده است تا رابطه سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم یافته) با گرایش به مدرنیسم در چهار متغیر مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی در یک جامعه محلی مورد کنکاش قرار گیرد. در ابتدا لازم است نگاهی مختصر به وضعیت اجتماعی و فرهنگی لرستان و شهر خرم‌آباد بیندازیم.

لرستان و بدنبال آن شهر خرم‌آباد یک جامعه در حال گذار از وضعیت سنتی، ایلی و عشایری به وضعیت مدرن و جدید است. ریشه‌های نژادی مشترک، احساس هویت ملی را به عنوان یک توانمندی قابل ملاحظه در این شهر به نمایش می‌گذارد.

آنچه که می‌تواند تحت عنوان تأثیرات فرهنگی برون مرزی بر فضای فرهنگی خرم‌آباد مطرح شود امواج فرهنگی است که از طریق برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و ارتباطات اینترنتی به مردم استان ارائه می‌شود. دسترسی آسان و سریع مردم به ارتباطات اینترنتی و جو غالب بر فضای مجازی موجود در این شبکه ارتباطی که متأثر از بخش غیرقابل انطباق شیوه زندگی غربی با شیوه زندگی ایرانی است می‌تواند به عنوان یک تهدید بشمار رود و اثرات نامناسبی بر فرهنگ منطقه بر جای گذارد.

به نظر می‌رسد تحولات اجتماعی در جامعه ما از سرعت تغییر قابل ملاحظه‌ای برخوردارند که منجر به دگرگونی‌های متعدد ساختاری در سبک زندگی مردم شده است. از مهم‌ترین تحولات جامعه ایرانی پدیده مدرنیسم و خاستگاه فکری آن یعنی مدرنیته است که علاوه بر تأثیر مستقیم بر ساختار کلان جامعه بر نگرش و روش زندگی بسیاری از افراد تأثیرگذار بوده است. نوگرایی یا مدرنیسم که از حدود دو سده پیش با نگاه به خاستگاه آن یعنی جوامع غربی، در ایران آغاز شد تا پیش از استقرار جمهوری اسلامی به عنوان سبک زندگی رسمی جامعه تلقی می‌شد که البته با ترکیب با برخی سنت‌های موجود در جامعه سعی در هژمونی بر جامعه ایرانی داشت. پس از استقرار نظام اسلامی، دوری جستن از سبک غربی و پذیرش سنت‌های اسلامی و زندگی براساس آموزه‌های دینی ابلاغی حاکمیت اسلامی، مبنای رفتارهای اجتماعی حاکم بر جامعه گردید. با گسترش ارتباطات اجتماعی عینی و مجازی و بسط و توسعه وسایل ارتباطی گرایش به نوگرایی به شیوه غربی در برخی از احاد جامعه به ویژه نسل جوان شکل گرفت و عملی شد که منجر به دوشیوه زندگی اجتماعی براساس هنجارهای

رسمی و شیوه زندگی براساس هنجارهای غیررسمی یا همان سبک غربی یا مدرن گردید. به نظر می‌رسد این موضوع در چهار متغیر خانواده، مذهب، گذران اوقات فراغت و استفاده از منابع ارتباطی نمود و عینیت بیشتری یافته و در حال حاضر در بین قشرهای اجتماعی نوجوان و جوان و حتی میانسال جامعه قابل مشاهده است یعنی خانواده و تشکیل آن از الگوهای رسمی در حال فاصله گرفتن است و مذهب از یک مکتب که تعیین‌کننده شئون و گوناگون زندگی است در حال تبدیل شدن به یک امر عرفی و شخصی و نحوه گذران اوقات فراغت در حال فاصله گرفتن از چارچوب‌های هنجاری و نزدیک‌تر شدن به روش‌های مدرن و استفاده از رسانه‌های رسمی به بهره‌مندی از رسانه‌های غیررسمی و به طور عمده ماهواره‌ای و مجازی است. اینکه بتوان شناخت علمی صحیحی از این مدعا داشت و اینکه سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم یافته) که شامل ارزش‌ها و باورهای فعلی موجود در بخش‌های مختلف جامعه می‌شود چه تأثیری بر شکل‌گیری مدرنیسم یا نوگرایی به سبک غربی دارد، توجه محقق را به این مساله معطوف کرد و منجر به اجرای این پژوهش گردید. در واقع دوگانگی نگرشی و کنشی موجود در جامعه و تأثیر برخی متغیرها مانند سرمایه فرهنگی بر این دوگانگی مساله و دغدغه اصلی این پژوهش است.

بنابراین مسئله اصلی تحقیق این است که سرمایه فرهنگی درونی‌شده (تجسم یافته) جوانان شهر خرم‌آباد چه تأثیری بر مدرنیسم در بین آنان دارد؟ در این مقاله به شناخت ابعاد سرمایه فرهنگی و نقش آن در گرایش به مدرنیسم در متغیرهای مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی جوانان شهر خرم‌آباد با رویکرد فازی توجه شده است.

آن بخش از سرمایه فرهنگی که مدنظر این تحقیق است، مجموعه ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و شیوه‌های رفتاری افراد جامعه اعم از (فعال‌گرایی، انفعال‌گرایی)، (خردگرایی و تقدیرگرایی)، (عام‌گرایی و خاص‌گرایی) و (همگرایی و واگرایی) است که می‌توانند حس همبستگی، همکاری، اعتماد متقابل و اطمینان را پدید آورند. برای متغیر مستقل میزان سرمایه فرهنگی درونی‌شده (تجسم یافته) از مقیاسی منطبق بر توافق نظرات داوران بهره گرفته که شامل چهار مؤلفه «فعال‌گرایی، خردگرایی، عام‌گرایی و همگرایی» بوده است.

در مجموع ابعاد هویت مدرن در شاکله جامعه ایرانی حضور

قوی و جدی دارد و گرایشات ایرانیان نسبت به ارزش‌های مدرنیته و جهانی شدن، جدی و قابل ملاحظه است. اما آنچه که مسلم است اینکه پژوهشی ذیل تاثیر سرمایه فرهنگی در ابعاد چهارگانه یاد شده بر مدرنیسم در متغیرهای چهارگانه صورت نگرفته و محقق درصدد آن است که به این سوال پاسخ دهد که این دو پدیده چه تعاملی نسبت به هم دارند.

اهمیت و هدف پژوهش:

مهمترین عواملی که انجام این پژوهش را ایجاب نموده و اهمیت آن را آشکار می‌سازد، می‌توان به شرح زیر بیان کرد. سرمایه فرهنگی تاکنون مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته، اما رابطه این متغیر با مدرنیسم به خصوص در جوامع محلی که سنت‌ها حاکمیتی دیرینه در آن دارد تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است و این امر اجرای این پژوهش را دارای اهمیتی شایان توجه می‌نماید. شناخت وضعیت فرهنگی و گرایشات حاکم بر آن از اساسی‌ترین نیازهای بنیادی در امر برنامه‌ریزی فرهنگی است، نتایج بدست آمده در زمینه تغییراتی که در عرصه ارزش و هنجارهای مختلف مانند چگونگی گرایش به مدرنیسم در حالی که جامعه همچنان به ارزش‌های سنتی به شکل منسجم توجه می‌کند و نقشی که سرمایه فرهنگی در شکل‌گیری این وضعیت ایفاء می‌کند، می‌تواند سازمان‌ها و مؤسسات و مراکز فرهنگی را در امر برنامه‌ریزی یاری دهد. جامعه لرستان یک جامعه سنتی و در حال گذار است که در دهه‌های اخیر تحت تأثیر روند نوسازی قرار گرفته و از این حیث پذیرای تغییرات مهمی در عرصه‌های مختلف سیاست، اقتصاد، خانواده و ارزش‌ها و باورهای خاص فرهنگی شده است و شناخت موارد مذکور اهمیت موضوع را دو چندان می‌نماید.

هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم یافته) در مولفه‌های «فعال‌گرایی، خردگرایی، عام‌گرایی و همگرایی، بر گرایش به مدرنیسم در بین جوانان است. هدف فرعی عبارت از شناسایی تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم یافته) بر متغیرهای چهار گانه مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی است.

ادبیات پژوهش

سرمایه فرهنگی، به طور معمول با دیدگاه‌های بوردیو به جامعه شناسی راه یافته است. از نگاه بوردیو سرمایه فرهنگی در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در اجتماعی شدن در وی انباشته می‌شود (زارع و فالاح، ۱۳۹۱) سرمایه فرهنگی از مسیر ذهنی و

فردی، سبب گرایش افراد به سبک زندگی فرهنگی خاص می‌شود (علیزاده اقدم و صالحی، ۱۳۹۰) و (بابایی، ۱۳۹۰). بوردیو^۱ از سرمایه فرهنگی در سه وضعیت متفاوت نام می‌برد: وضعیت تجسم یافته (درونی شده)، عینیت یافته و نهادینه شده. در مورد اول اشاره به مجموعه‌ای از تمایلات دارد که از طریق جامعه‌پذیری درونی فرد شده‌اند. انباشت سرمایه فرهنگی در شکل تجسد یافته‌اش در دوران کودکی شروع می‌شود.

پس از بوردیو، می‌توان به **دیمجیو**^۲ (۱۹۸۲) اشاره کرد که این مفهوم را در قالب مدل «تحرک فرهنگی» مطرح کرد. براساس این مدل، سرمایه فرهنگی موثر در شکل دادن به نابرابری‌های اجتماعی است، اما این نابرابری‌ها بیش از آن که ناشی از ارتقاء موقعیت‌های ممتاز انتسابی افراد باشد ناشی از توسعه فرصت‌های بیشتر برای طبقات پایین است. همین تلقی، الگوی محققانی شده است که در حوزه سرمایه فرهنگی پژوهش کردند (قاسمی و حسن‌پور، ۱۳۹۵). در منظری دیگر سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. یعنی سرمایه‌ی فرهنگی به طور دائمی در قلمرو امکانات قشر و گروه است (صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۸۶). سرمایه فرهنگی می‌تواند، کارکردهایی مانند دسترسی اکثریت اعضای جامعه به منابع معرفتی، بسط خردگرایی در عرصه‌های مختلف زندگی، سریع شدن تغییرات اجتماعی، گسترش دانش‌های نوین و گسترش گردش اطلاعات و رشد شخصیتی برای اکثریت افراد جامعه داشته باشد (چلبی، مسعود، ۱۳۸۲). کسب سرمایه فرهنگی کار طولانی، مداوم و پیگیری، یادگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد. در صورتی که دسترسی به سرمایه فرهنگی، به صورت برابر باشد، سرمایه فرهنگی می‌تواند، کارکردهای مانند دسترسی اکثریت اعضای جامعه به منابع معرفتی، بسط خردگرایی در عرصه‌های مختلف زندگی و بالا بودن سطح مشارکت همگانی را برای اکثریت افراد جامعه داشته باشد (چلبی، مسعود، ۱۳۸۲).

سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند (فکوهی، ۱۳۸۱). پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی سه منبع سرمایه فرهنگی‌اند. انباشت سرمایه فرهنگی از طریق این سه منبع در افراد باعث تفاوت بین دارندگان و فاقدان

این سرمایه می‌شود (خادمیان، ۱۳۹۰). پارسونز^۳ برای گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن ایده متغیرهای الگویی را مطرح کرد که مبنای انتخاب شاخص‌ها و مولفه‌های سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم یافته) پژوهش قرار گرفته‌اند. از نظر پارسونز پنج دسته متغیرهای الگویی نمایانگر نوع جامعه است: اولین دسته روابط شخصی در مقابل روابط غیرشخصی است. در جوامع سنتی روابط اجتماعی دارای یک بخش نفسانی (فردی، احساسی و چهره به چهره) است. اما در جوامع نوگرا روابط اجتماعی عموماً^۴ در حالت غیرشخصی (غیرفردی، بیگانه و غیرمستقیم) تبلور دارد. دومین دسته خاص‌گرایی در مقابل عام‌گرایی است. در جوامع سنتی افراد تمایل دارند که با اعضای دایره اجتماعی خودشان مشورت کنند، اما در جوامع مدرن که فشرده‌گی جمعیت وجود دارد، مردم معمولاً با غریبه‌ها سر و کار دارند و مایلند که با استفاده از قواعد عام‌گرایی با آنها رفتار کنند. سومین دسته از متغیرهای الگویی عبارت از جهت‌گیری جمع‌گرا در مقابل خودگزینی (یا پیگیری منافع شخصی) است. در جوامع سنتی، وفاداری به سمت جمع است (مانند خانواده)، برعکس در جوامع مدرن خودگزینی مورد تأکید است. چهارمین دسته از متغیرهای الگویی عبارت است از انتساب در مقابل اکتساب، در جوامع سنتی فرد با منزلت انتسابی ارزیابی می‌شود. اما در جوامع مدرن، مبنای ارزیابی فرد با منزلت اکتسابی خودش است. پنجمین دسته از متغیرهای الگویی عبارتند از نقش‌های اختصاصی در مقابل آمیختگی نقش‌ها، در جوامع سنتی غالباً نقش‌ها در هم آمیخته است. برعکس در جوامع نوگرا نقش‌ها اختصاصی است. به نظر هابرماس، راه‌حل معضلات نوگرایی را در خود نوگرایی باید جست‌وجو کرد. به نظر هابرماس، مابعد نوگرایی، توانایی حل این مشکلات را ندارد. «اندیشه فرا تجلّد» امکان هرگونه رفتار خودآگاهانه را، که بتواند مسائل را حل کند، متفی می‌سازد (هولاب، ۱۳۷۵).

سنت‌گرایی واکنشی است دفاعی که آگاهانه با رجعت به سنت‌ها، در پی حل معضلاتی است که دنیای مدرن، پیش رو قرار می‌دهد. مدرنیته تنها به نوگرایی محدود نمی‌شود بلکه دریافت ذهنی نو از جهان، هستی، زمان و تحول تاریخی است، به عبارت دیگر مدرنیته ذهنیت را در نظر دارد و الزاماً با سنت در تعارض نیست بلکه می‌کوشد از عناصر سازنده و پویای آن برای جهش‌های بعدی استفاده (شایان‌مهر، ۱۳۸۲).

همچنین مدرنیسم به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی

مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد، در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد (گیدنز، ۱۳۷۷) و مدرن، شخصی است که خود را با نظم جدید سازگار کرده یا کسی که عضو جنبشی است که به فعالانه مدرنیسم را رواج می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۷). این نظم جدید بر پایه عقل‌گرایی، انسان محوری، فردگرایی و آزادی فردی و اجتماعی بنیان نهاده شده است. بنابراین، مدرنیسم، که معادل فارسی آن را عموماً تجددگرایی قرار می‌دهند، امری فکری، فرهنگی است که به تغییر و تحولات مهمی که بعد از قرون وسطی در غرب رخ داد اشاره دارد. اگر چه این مفهوم در طول زمان گسترش یافته است، در حقیقت، چارچوب نظری تمدن جدید غرب را، یعنی تمدن تقریباً ششصد ساله آن را شکل داد (عمادی، جلال، ۱۳۸۵). از طرف دیگر مدرنیزاسیون مجموعه تحولاتی است، که در امور رو بنایی جامعه، در اقتصاد، نظام اداری سیاسی صورت می‌گیرد. مدرنیزاسیون به این فضاها مربوط است. حال آن که مدرنیته دیرتر و بالاخره به گونه‌ای غیرقابل رویت به جوامع غیرغربی می‌رسند (هودشتیان، ۱۳۸۰). نوسازی در واقع یک فرآیند چند بعدی است؛ و آن عبارت است از: نو شدن و تحول دائمی در همه ابعاد تمدن بشری، از این‌رو نیل اسملسر^۶ معتقد است نوسازی شامل همه تحولاتی است، که در زمینه‌های سیاسی، آموزشی، دینی، خانوادگی و طبقاتی به وقوع می‌پیوندد. (اسملسر، ۱۳۵۳).

«مدرنیزاسیون» نوعی فرهنگ پذیری است در مفهوم عام آن، به عنوان یک کنش فرهنگی دارای معنایی بسیار وسیع‌تر از توسعه اقتصادی و اجتماعی است فرهنگ «عقب‌مانده» باید مجموعه نظام ارزشی خود را با فرهنگ «پیشرفته» تطبیق دهد و بدین معنا «معاصر» و «نو» شود (محمدزاده و حاجیان، ۱۳۹۶).

«مدرنیزاسیون» انگاره‌ای است مقایسه‌ای و ارزشی، مقایسه‌ای است زیرا دو قطب «کهنه» و «نو» را در مقابل هم قرار می‌دهد و ارزشی است زیرا در این تقابل نفی «کهنه» توسط «نو» (مدرن، معاصر) را موجه و حتی طبیعی جلوه‌گر می‌سازد (محمدزاده و حاجیان، ۱۳۹۶). هویت مدرن به شناسایی افراد با مؤلفه‌ها و مشخصه‌های مدرنیته اطلاق می‌شود، خواه در عصر مدرن به سر ببریم یا خیر. لذا به موازات آن می‌توان از هویت پسامدرن و هویت جهانی شده سخن گفت (کچویان، ۱۳۹۰). تجدید در طول زمان تبدیل به نظام نمادین یکسر تازه‌ای از زندگی هر روزه یعنی شیوه‌هایی از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده که

(۱۳۸۸) اشاره کرد که به رابطه هویت خانوادگی با هویت مدرن پرداخته‌اند که ماهیت هویت مدرن را روشن‌تر می‌سازد (محمدزاده و حاجیانی، ۱۳۹۶). همچنین در مورد اوقات فراغت باید گفت اگرچه فراغت به عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر از آداب و رسوم و اعتقادات و باورهای مردم هر قومی می‌باشد و با فرهنگ عمومی مردم گره خورده است و به هر حال تأثیرات و منافعی که می‌تواند از جهات مختلف اجتماعی و اقتصادی داشته باشد غیرقابل انکار است. مهم‌تر از همه تأثیراتی است که بر فرد می‌گذارد. به نظر بوردیو در عرصه فراغت در میدان، سرمایه‌هایی شکل می‌گیرد که سبک زندگی خاصی را به صورت عادت‌واره به وجود می‌آورد (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷) و سلیقه‌ها تابعی از طبقات افراد است. اوقات فراغت نزدیک‌ترین پیوند را با زندگی فرهنگی افراد دارد به نحوی که افراد شخصیت خود را در نحوه گذران اوقات فراغت خود نشان می‌دهند، سرمایه فرهنگی با تعیین چارچوب‌هایی انتخاب افراد را در این بخش از زندگی تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (ریترز^{۱۳}، ۱۳۷۴).

در مورد خانواده صاحب‌نظران بر این باورند که خانواده نوعی نظام اجتماعی و واحدی عاطفی است که کانون رشد و التیام، تغییر و تحول و آسیب شناسی اعضاء و روابط بین آنهاست. همچنین خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر عصری و نسلی عملکرد دارد و معمولاً این عملکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌کند. اشاعه نوگرایی به ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی با عواملی چون وجود گروه‌های حمایتی از افراد جامعه، شکل‌گیری بازارهای شهری، اصناف، افزایش آگاهی زنان، تحول در وضعیت ازدواج و زناشویی، افزایش سطح تحصیلی زنان و توسعه اشتغال آنها، از جمله عواملی است که سبب شده چهره خانواده دگرگون شود. در مقابل، جامعه سنتی تا حد زیادی جمعی است و سنتی وجود ندارد که الگوهای آن فردی باشد. بنابراین گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای نشان دهنده این واقعیت است که خانواده هسته‌ای به تغییر از سنت به نوگرایی گرایش دارد (ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱). موضوع اطلاع از تکنولوژی‌های جدید و علاقه‌مندی به استفاده از آنها در پژوهش‌های اینکلس (۱۹۷۵) در شاخص‌های صنعتی شدن مردم، کسب تجربیات تازه و استعداد انسان مدرن برای ابداع و تغییر بررسی شده است (محمدزاده و حاجیانی، ۱۳۹۶). صاحب‌نظرانی

رویکردهای مدرن فکری و فرهنگی را نیز به همراه داشته است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹). اما در کشورهای در حال توسعه تحولات فنی و اقتصادی و صنعتی شدن در قالب فرایند نوسازی نمود یافته است. نوسازی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی برای نزدیک سازی وضع سرزمین‌های غیربومی به وضع تجدد غربی صورت می‌گیرد (افشارکهن، ۱۳۸۳). نوگرایی بیان نوعی پیش مبتنی بر اصالت عناصر مدرنیته است و زمینه تئوریک و ذهنی تمام اقدامات عملی جوامع دور از تجدد غربی را برای تحقق تجدد فراهم می‌آورد (بشیریه، ۱۳۷۸). طبق عقیده ماکس وبر^{۱۴}، در جامعه صنعتی مدرن کنش عقلانی معطوف به هدف رفتار افراد را جهت می‌دهد که طی آن افراد به دنبال بهترین ابزار برای رسیدن به اهداف خود هستند.

اسلمسر معتقد است که تحقق نوسازی باید در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های خانوادگی، نظام‌های ارزشی و نظام قشربندی محقق شود. به نظر او در یک جامعه پیشرفته تمایزات ساختی یا تفکیک کارکردی عناصر به طور کامل صورت گرفته است. در حالی که جوامع توسعه نیافته فاقد چنین تفکیکی هستند (زاهدی، ۱۳۸۶).

دیدگاه‌های نظری در خصوص متغیرهای خانواده، مذهب، اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. براساس مطالعات انجام شده برای عملیاتی شدن مفاهیم موجود در مقوله مدرن شدن، نه بعد اصلی شناسایی و تفکیک شده‌اند که می‌توان آنها را کنار هم‌دیگر مورد مطالعه قرارداد. این ابعاد شامل اجتماعی (اوقات فراغت و خانواده، برابری‌خواهی (خانواده و مذهب و منابع ارتباط جمعی) غرب‌گرایی (خانواده و مذهب) در زمانه بودن (منابع ارتباط جمعی و اوقات فراغت)، دنیاگرایی (خانواده و مذهب منابع ارتباط جمعی و اوقات فراغت) و انسان‌گرایی (محمدزاده و حاجیانی، ۱۳۹۶). در بعد اجتماعی هویت مدرن، استفنسون^{۱۵} (۱۹۶۸) و اشناپیرگ^{۱۶} و آرم^{۱۷} (۱۹۷۲) تمامی مؤلفه‌های مدنظر را در مطالعات خود سنجیده‌اند. اینگلهارت^{۱۸} (۱۳۷۳) به انتخاب‌های فردی در سبک و جوانب زندگی مانند نحوه تشکیل خانواده، تقید به ارزش‌های قدیم توجه نموده است. از آنجا که یکی از مولفه‌های اجتماعی در این پژوهش اوقات فراغت است می‌توان به موضوع گذران اوقات فراغت در پژوهش اینکلس^{۱۹} (۱۹۷۵) اشاره نمود. همچنین می‌توان به نتایج تحقیقات انجام شده، توسط ساروخانی و بابایی فرد

همچون هابرماس^{۱۴} به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان انتقادی به ظهور فن‌آوری‌های ماهواره‌ای و اطلاعات دیجیتال و تأثیر آن در فرآیند جهانی شدن تأکید کرده است. به نظر وی، اگرچه مهم‌ترین بعد این جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد بوده اما در عرصه‌های فرهنگی نیز گرایش به تولیدات فرهنگی خاص نوعی همسانی در فرهنگ‌ها را به دنبال داشته است. وی معتقد است که فرهنگ کالایی شده نه تنها خود را بر سرزمین‌های دور تحمیل می‌کند بلکه حتی در غرب نیز معنادارترین تفاوت‌ها را کم‌رنگ و ریشه‌ارترین سنت‌های محلی را سست بنیان کرده است (هابرماس، ۱۳۸۴).

در ارتباط با متغیر دین در جهان مدرن می‌توان به دیدگاه‌های برگر^{۱۵} اشاره کرد. برگر بر این نظر که در جوامع سنتی دین سایبانی از نمادها را به منظور یکپارچه کردن بخش‌های گوناگون گسترانیده بود. دین ساختاری هنجاری و شناختی داشت و احساس بودن در کاشانه را برای انسان فراهم می‌کرد (برگر و دیگران، ۱۳۸۱). در این جوامع معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت، که زندگی انسان را به نظام

هستی ربط می‌داد، یکپارچه می‌شد. بنابراین همه فرایندهای نهادی در جامعه و همه تجربیات افراد، نمادها و باورهای دینی را تأیید می‌کردند یعنی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی جامعه، نهاد دین از منزلت بالایی برخوردار بود و قوانین و قواعد دینی جاری و ساری بود. اما با به وجود آمدن تقسیم کار در جوامع جدید و تخصصی شدن امور، زیست جهان‌های متعددی در جامعه شکل می‌گیرد، بنابراین بخش‌های گوناگون جامعه و به تبع آن تجربیات گوناگون افراد، تحت اداره نظام‌های معانی متفاوت و بعضاً متضادی در می‌آیند و دین از جای دادن این نظام‌های معانی در درون کلیت نمادین فراگیر، که خود ساخته و پرداخته کرده، باز می‌ماند. برگر معتقد است که عرفی شدن نه تنها جامعه و حوزه‌های فرهنگ، بلکه ذهنیت و اذهان افراد را نیز در بر می‌گیرد: «فرآیند عرفی شدن بُعدی ذهنی نیز دارد. با عرفی شدن جامعه و فرهنگ، ذهنیت نیز دستخوش عرفی شدن می‌شود. بدین ترتیب عرفی شدن دو وجهه مرتبط به هم دارد: یکی عرفی شدن نهادی که به معنای جدایی نهادهای جامعه از قلمرو دین است و دیگری عرفی شدن افراد (یا به زبان برگر عرفی شدن ذهنیت) که به معنای عدم تمسک افراد به تفسیر مذهبی در رفتار و پندار خویش است.

خلاصه پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده	عنوان	نتایج
۱	کوهن ^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۷)	بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و دموکراسی	آینده دموکراسی در آمریکا بر حمایت جمعی از نهادهای آن و ماهیت همه جانبه شهروندی دموکراتیک تأکید دارد. هنگامی که شهروندان به طور کلی سیستم را مشروع و قابل تحمل می‌بینند، با وجود سرسخت‌ترین دشمنان آن، دموکراسی می‌تواند ثبات قابل توجهی به دست آورد. اما وقتی که این پایه‌های فرهنگی فرسایش یابد، سرنوشت دموکراسی خیلی مشخص نیست.

<p>به سرمایه نمادین به عنوان ایجاد کننده الگوهای باز در محیط آموزشی اشاره دارد و به بررسی مشکلات و معضلات فکری و رفتاری نظام آموزشی غرب رومانیایی می‌پردازد و برای آن راه‌حل فکری و عملی ارائه می‌دهد و سرمایه‌ی نمادین را تئوری نوسازی رابطه‌ای برای بهبود نظام آموزشی کشور تشخیص می‌دهد.</p>	<p>سرمایه‌ی نمادین و ابعاد سرمایه فرهنگی برای سازمان‌های آموزشی رومانیایی</p>	<p>الین گاورلیوک^{۱۶} دنا گاورلیوک (۲۰۱۴)</p>	<p>۲</p>
<p>نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مقبولیت اجتماعی رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد.</p>	<p>بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر مقبولیت اجتماعی</p>	<p>یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۷)</p>	<p>۳</p>
<p>بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی نظیر شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی و همبازی و میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.</p>	<p>رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی</p>	<p>تمنا و صمدی (۱۳۹۵)</p>	<p>۴</p>
<p>حدود ۵۳ درصد از زنان به مدرنیته گرایش متوسط به بالا دارند</p>	<p>رابطه گرایش به مدرنیته با سبک زندگی زنان جوان</p>	<p>سفیری و همکاران (۱۳۹۴)</p>	<p>۵</p>
<p>روند تحولات کشور همیشه به قصد رسیدن به حد نهایی و نمونه‌ای از جامعه‌ای بر مبنای فرهنگ اسلامی است.</p>	<p>رابطه تحولات سبک زندگی و عرفی شدن در جامعه ایرانی</p>	<p>پویافر (۱۳۹۲)</p>	<p>۶</p>
<p>نگرش ایرانیان به ارزش‌های بنیادین مدرنیته نسبت به میانگین در حد متوسط است؛ اما نگرش آنها به مدرنیسم و تمایل به غرب از میانگین پایین‌تر است؛ در حالی که دیدگاه آنها نسبت به هویت جهانی بالاتر از حد میانگین است</p>	<p>مطالعه گرایش ایرانیان به هویت مدرن</p>	<p>حاجیان و درویشی (۱۳۹۲)</p>	<p>۷</p>
<p>پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی رابطه‌ی معناداری دارد. استان مرکزی دارای بالاترین میانگین سرمایه فرهنگی و سیستان و بلوچستان دارای پایین‌ترین میانگین سرمایه فرهنگی است. به طور میانگین، بالاترین سرمایه فرهنگی کشور در دوره مورد بررسی مربوط به سال ۱۳۹۱ و پایین‌ترین مربوط به سال ۱۳۸۴ است.</p>	<p>سنجش سرمایه فرهنگی طبقات برآورد روند سرمایه فرهنگی در ایران</p>	<p>فائقی و همکاران (۱۳۹۵)</p>	<p>۸</p>
<p>میانگین نمره جهت‌گیری ارزشی مدرن و هویت دینی دختران در هر سه بعد عاطفی، اعتقادی و عملی بالاتر از میانگین پسران و معنی‌دار بوده است. همبستگی جهت‌گیری ارزشی مدرن با ابعاد اعتقادی و احساسی هویت دینی منفی و معنی‌دار بوده؛ اما همبستگی آن با بعد عملی و کلی هویت دینی معنی‌دار نبوده است.</p>	<p>رابطه جهت‌گیری ارزش‌های مدرن با هویت دینی</p>	<p>حیدری و باصری (۱۳۹۴)</p>	<p>۹</p>
<p>ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا حد زیادی به قوت خود باقی است و ارزش‌های مدرن نیز آرام آرام و به تدریج در حال شکل‌گیری هستند.</p>	<p>نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در خانواده‌های شهر بوکان</p>	<p>زاهدی، خضرنژاد (۱۳۹۲)</p>	<p>۱۰</p>

شاخص‌های بومی شده مدرنیسم توسط محمدزاده و حاجیانی (۱۳۹۶) است که تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده با چهار مولفه مدنظر بر چهار متغیر مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی در ابعاد مدرن مورد سنجش قرار گرفته است. در این مقاله از ابعاد اجتماعی، برابری خواهی، غرب‌گرایی، در زمانه بودن و دنیاگرایی با شاخص‌های تعیین شده برای سنجش گرایش به مدرنیسم در چهار متغیر مدنظر و ارتباط آن با متغیرهای سرمایه فرهنگی استفاده شده است.

آن چنان که مطالعه جان عزیزاده و همکاران (۱۳۹۰) این را تأیید می‌کند، بررسی مطالعات حاکی از آن است که تعریف واحدی از مفهوم سرمایه فرهنگی و مدرنیسم ارائه نشده است و نواقصی مانند « عدم تبیین یا نارسایی‌های تبیینی، عدم استفاده از نظریه‌ها یا کاربرد نادرست آنان، فقدان اعتبار یا کاستی در انتخاب شاخص‌های مدرج و معتبر و اعتبار شاخص‌ها» دارند. البته تحقیقی که در آن به طور مستقیم به تاثیر مدرنیسم از سرمایه نمادین فرهنگی توجه شده باشد، یافته نشد که براهمیت اجرای این پژوهش افزود.

مدل مفهومی: مدل مفهومی این مقاله برگرفته از

ابعاد و شاخص‌های مدرنیسم

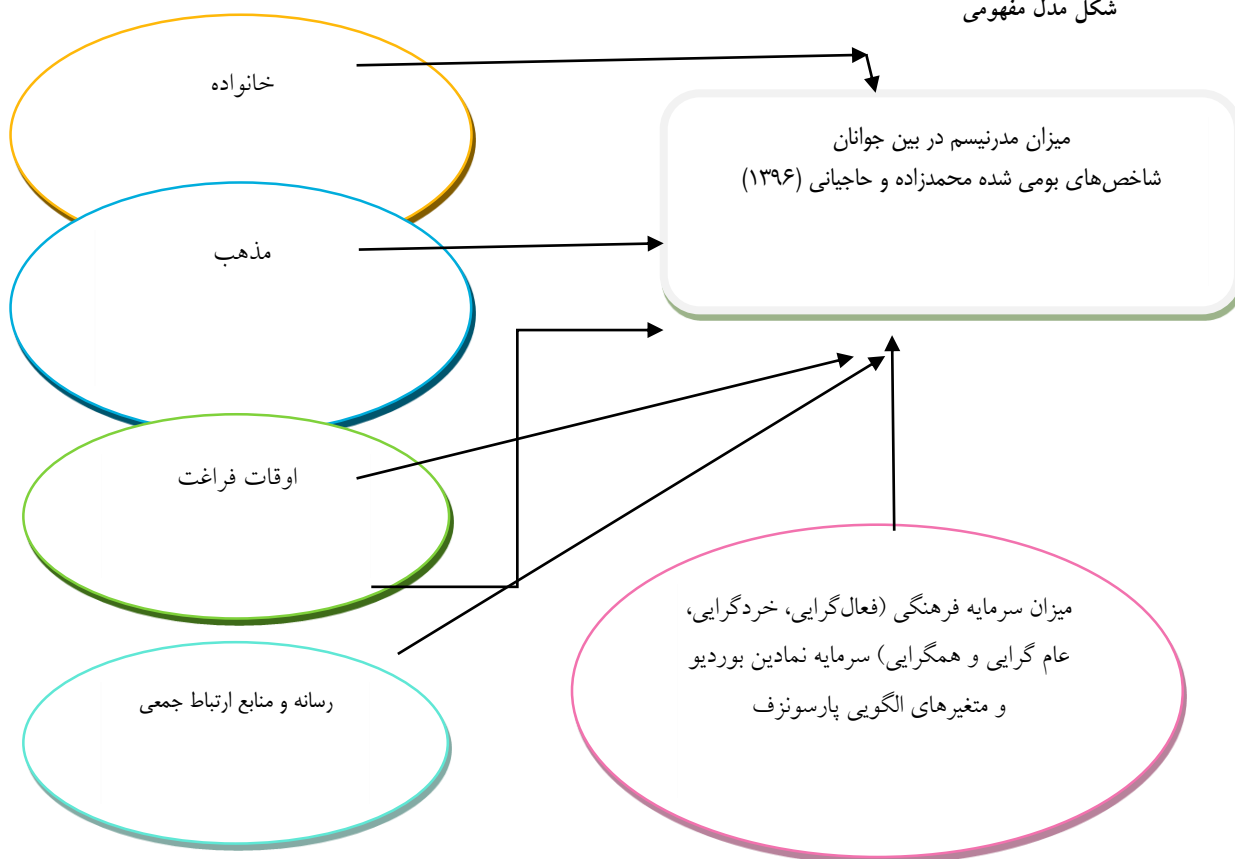
ابعاد	شاخص‌ها
بعدا اجتماعی شاخص سنجش خانواده و اوقات فراغت	۱- برتری بخشی به نقش‌های دیگر زن نسبت به نقش مادری ۲- ترجیحات درگذران اوقات فراغت؛ ۳- استقلال از خانواده و والدین
برابری خواهی شاخص سنجش خانواده	۱- الگوهای جدید ارتباط زوجین؛ ۲- یکسان نگری پیروان مذاهب دیگر ۳- اعتقاد به تساوی شکلی جایگاه زن و مرد در جامعه
غرب‌گرایی شاخص فراغت	۱- گرایش به شیوه مرسوم زندگی غربی
در زمانه بودن شاخص منابع ارتباط جمعی	۱- تمایل به استفاده از تکنولوژی‌های جدید؛ ۲- آشنایی و استفاده از رایانه و اینترنت؛ ۳- تمایل به الگوگیری از مد روز؛ ۴- آشنایی با تکنولوژی‌های جدید
دنیاگرایی شاخص سنجش مذهب	۱- پیگیری توصیه‌های جدید پزشکی؛ ۲- اعتقاد به لزوم جدایی دین از سیاست؛ ۳- نفی تقدیرگرایی و اعتقاد به محاسبات مادی؛ ۴- تعبدگریزی و کم بها دادن به آیین مذهبی

محمدزاده و حاجیانی (۱۳۹۶)

دلیل انتخاب این مدل آن است که از نتیجه تلاش محققان داخلی برای بومی‌سازی ابعاد، شاخص‌ها و نحوه سنجش مدرنیسم استخراج شده و بر چهار متغیر مورد نظر پژوهش پوشش داده شده‌اند.

براساس ابعاد و شاخص‌های یادشده مدل مفهومی این پژوهش برگرفته از مدل بومی شده سنجش مدرنیسم در ابعاد گوناگون و سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم یافته) براساس تقسیم بندی بوردیو از سرمایه فرهنگی و متغیرهای الگویی پارسونز است که در قالب زیر نمایش داده می‌شود.

شکل مدل مفهومی



و تاریخ اجرا در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام شده است. جامعه آماری جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر خرم‌آباد لرستان که بالغ بر ۲۰ درصد جمعیت ۲۷۰ هزار نفری شهر یعنی ۵۴ هزار نفر هستند. حجم نمونه براساس جدول کرجسی، مورگان ۷۷۳ نفر است و روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و ترکیبی می‌باشد. فرد نمونه دارای شرایط زیر بوده است: ۱- مرد یا زن ساکن در شهر خرم‌آباد استان لرستان ۲- دارای حداقل ۱۹ سال و حداکثر ۲۹ سال سن ۳- محل مساحبه محل سکونت خانوار بوده و بطور تصادفی انتخاب شده‌اند. ۴- مایل به پاسخگویی بوده و همکاری کامل با مساحبه‌گر داشته‌اند. برای نمونه‌گیری از روش چند مرحله‌ای و ترکیبی استفاده شده است. یعنی انتخاب ۵ محله از شهر از ۲۲ محله شهر در چهار نقطه شمال، جنوب، شرق و غرب شهر بعنوان مناطق مورد مراجعه در دستور کار نمونه‌گیری قرار گرفته است. از آنجا که تعداد افراد مورد نظر از کل حجم نمونه برای هر محله مشخص بوده و از آنجا که کمترین تعداد جمعیت ساکن در هر بلوک عددی دو رقمی است عددی دو رقمی برای تعداد نمونه هر بلوک با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب شده که این عدد ۱۵ می‌باشد یعنی از هر بلوک تا دسترسی به ۱۵ نفر نمونه تحقیق، خانوار شماری ادامه می‌یابد. ابزار پژوهش بخشی از پرسشنامه استاندارد شده طرح کشوری رفتارهای فرهنگی

از مدل محمدزاده و حاجیانی (۱۳۹۶) برای سنجش مدرنیسم و سرمایه فرهنگی بوردیو و متغیرهای الگویی پارسونز برای سنجش سرمایه فرهنگی درونی شده استفاده شده است.

فرضیات تحقیق:

۱- سرمایه فرهنگی درونی‌شده با چهار مؤلفه فعال‌گرایی، خردگرایی، عام‌گرایی و همگرایی بر مدرنیسم در افراد تاثیر دارد هر چه برخورداری از سرمایه فرهنگی درونی‌شده بیشتر باشد مدرنیسم بیشتر می‌شود.

۲- سرمایه فرهنگی درونی‌شده بر متغیرهای چهارگانه مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی تاثیر دارد هر چه برخورداری از سرمایه فرهنگی بیشتر باشد متغیرهای مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی مدرن‌تر می‌شوند.

روش تحقیق

روش این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی است و با توجه به فرضیه، محقق از روش مستقیم و پرسشنامه استفاده نموده است.

قلمرو موضوعی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی جوانان است. قلمرو مکانی شهر خرم‌آباد می‌باشد. این تحقیق از لحاظ زمان

۴- یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مزیت استفاده از روش تحلیل فازی در این پژوهش امکان استفاده از داده‌های شبیه سازی شده است. یعنی با اجرای تغییرات در یک ورودی می‌توان تاثیر آن را در افزایش یا کاهش خروجی مشاهده کرد و سنجید.

۵- با توجه به ماهیت غیرقطعی عوامل موثر بر پدیده‌های اجتماعی مورد مطالعه، تحلیل آنها نیز بایستی با روشی صورت می‌گرفت که با این ماهیت متناسب باشد و بر این اساس تحلیل فازی انتخاب شد چون امکان مدرج سازی عوامل را فراهم آورد و زمینه ورود به فضای ابعادی برای محقق فراهم ساخت و به جای تاکید بر قطعیت رابطه بین متغیرها بر درجه‌ای از رابطه بین متغیرها تاکید شده است. البته این رویکرد امکان تبیین ترکیبی و چندگانه را به طور جامع‌تری نسبت به روش تحلیل کلاسیک (خطی-همبستگی) بوجود می‌آورد. در واقع در این تحلیل بر اشتراکات مجموعه عوامل چندگانه سرمایه فرهنگی نمادین و نه تاثیرات مجزا و مستقل آنها تاکید دارد.

یافته‌های پژوهش:

در این بخش ابتدا توصیفی از ابعاد چهارگانه متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی) و ابعاد چهارگانه متغیر وابسته (مدرنیسم) ارائه شده است و سپس به تحلیل فازی تاثیر سرمایه فرهنگی بر مدرنیسم در ابعاد مدنظر توجه شده است.

یافته‌های توصیفی: ۱- از کل پاسخگویان حدود ۳۴٫۴ درصد (بیشترین) میزان سرمایه فرهنگی شان در حد مطلوب قرار گرفته و حدود ۳۴٫۰۲ درصد از افراد نمونه میزان سرمایه فرهنگی شان در حد متوسط بوده؛ حدود ۱۴٫۲ از آنان در حد کاملاً مطلوب و حدود ۱۵٫۷ درصد در حد نامطلوب و حدود ۱/۶ درصد در حد کاملاً نامطلوب قرار گرفته است.

۲- از کل پاسخگویان حدود ۳۶/۱ درصد (بیشترین) میزان گرایش به مدرنیسم را در متغیرهای مدنظر پژوهش در حد کاملاً زیاد و حدود ۲۱/۱ درصد در حد زیاد قرار داده‌اند و حدود ۲۴/۵ درصد از افراد نمونه میزان گرایش به مدرنیسم را در حد متوسط قرار گرفته؛ حدود ۹/۸ درصد از آنان در حد کم و حدود ۸/۵ در حد خیلی کم قرار داده‌اند.

۳- براساس داده‌های جدول در مولفه‌های سرمایه فرهنگی درونی شده مولفه‌های همگرایی با ۰/۴۶، خردگرایی با ۰/۲۵۸، عام گرایی با ۰/۲۴۸ و فعال‌گرایی با ۰/۲۴۵، به ترتیب بیشترین تا کمترین ضریب همبستگی را با سرمایه فرهنگی داشته‌اند.

ایرانیان که در سال ۱۳۹۴ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سراسر کشور اجرا شده که در برخی متغیرها همانند استفاده از فضای مجازی به روزرسانی شده و به همراه پرسشنامه استاندارد شده سرمایه اجتماعی و فرهنگی و مدل سنجش مدرنیسم توسط محمدمزاده و حاجیانی (۱۳۹۶) است. برای سنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری این پژوهش از اعتبار محتوا (تعیین میزان توافق داوران و اعتبار سازه (روش همبستگی گویه‌ها با مجموع گویه‌ها) استفاده شده و پس از انجام مراحل مذکور، پرسشنامه نهایی بین یک نمونه ۳۰ نفری اجرا شد که پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۶) اثبات شده است.

روش تحلیل داده‌ها: ضمن استفاده از نرم‌افزار آماری spss و با استفاده از نرم‌افزار matlab از روش فازی و مجموعه‌های فازی و سیستم استنتاج فازی عصبی تطبیقی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

دلایل متعدد و فراوانی برای انتخاب روش تحلیل فازی می‌توانیم عنوان کنیم که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- با استفاده از این روش امکان سنجش درجه انطباق مصادیق تجربی سرمایه فرهنگی و مدرنیسم با معانی جامعه شناختی این مفاهیم فراهم شد. به عنوان مثال در مدرنیسم، خانواده به تدریج در مصادیق تجربی خود به سوی تلقی زندگی دو نفره زن و مرد در کنار هم براساس فقط توافق خودشان سیر کرده است در حالی که در مفهوم کلاسیک جامعه شناختی، خانواده به یک زندگی جمعی که تعهدات اجتماعی و اخلاقی مبنای استمرار آن است و منجر به بقای نسل می‌گردد و در ردیف ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه قرار می‌گیرد، تعریف شده است.

۲- در استفاده از روش تحلیل فازی به دنبال آن بودیم که به‌جای حالت دوگانه صدق یا کذب بودن فرضیه، درجات صدق مبنای تحلیل قرار می‌گیرد. در واقع این نتیجه قابل بیان و تاکید است که نگوییم رابطه وجود دارد یا خیر بلکه می‌گوییم به چه میزان رابطه و اثر بین پدیده‌های مورد مطالعه در پژوهش وجود دارد. یعنی مصادیق نه به طور کامل قدرت انطباق با مفهوم را دارند و نه به طور کامل می‌توان به عدم انطباق آنها باور داشت.

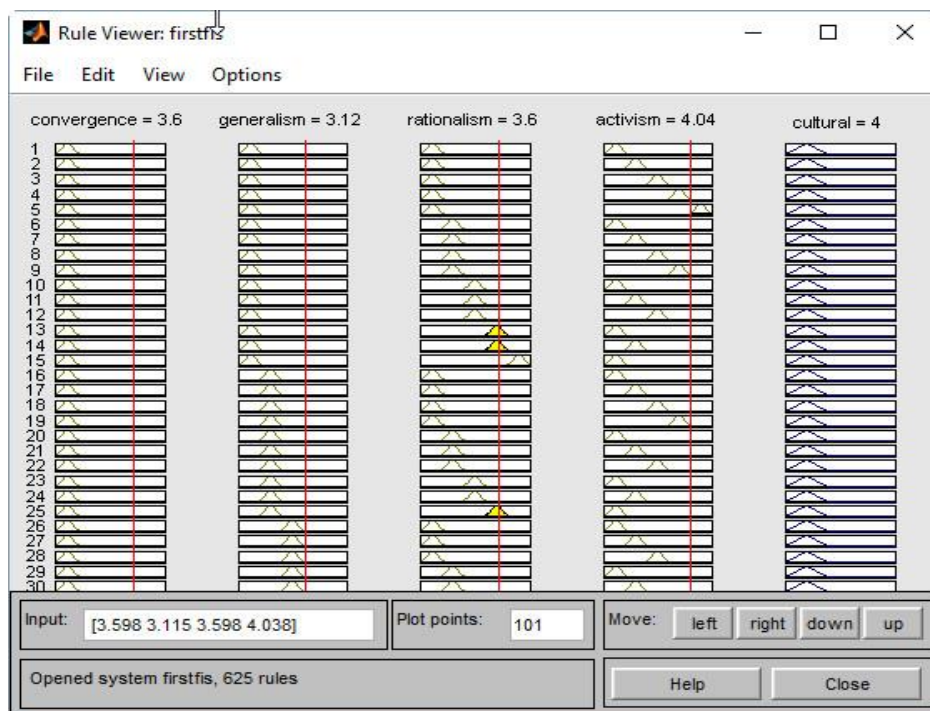
۳- در استفاده از روش تحلیل فازی توانستیم با مدرج‌سازی مفاهیم امکان ساخت مقیاس شبه ترتیبی به وجود آید که قادر است سطوح اندازه‌گیری کیفی و کمی را با همدیگر ترکیب کند و مزایای استفاده از هریک از سطوح را فراهم سازد.

مقدار ضریب همبستگی پیرسون	مقدار خی دو پیرسن	مقدار اسپرمن	متغیرهای مستقل در قلب مؤلفه سرمایه فرهنگی	ردیف متغیرهای مستقل
.374	3.028E2 ^a	.375	میزان سرمایه فرهنگی	متغیر مستقل ۱
.245	1.790E2 ^a	.259	میزان اعتقاد به ارزش‌ها و باورهای فعال‌گرایی	متغیر مستقل ۱-۱
.258	1.448E2 ^a	.286	میزان اعتقاد به ارزش‌ها و باورهای خردگرایی	متغیر مستقل ۱-۲
.460	E2 ^a ۲۶۵.۴	.437	میزان اعتقاد به ارزش‌ها و باورهای همگرایی و واگرایی‌های قومی و قبیله‌ای و سیاسی و ملی	متغیر مستقل ۱-۳
.248	E2 ^a ۱۶.4۲	.291	میزان اعتقاد به ارزش‌ها و باورهای عام‌گرایی	متغیر مستقل ۱-۴

اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی با استفاده از نرم‌افزار متلب از منطق فازی بهره گرفته شده است.

یافته‌های تحلیلی (فازی)

در این بخش برای تحلیل تاثیر سرمایه فرهنگی بر مدرنیسم در متغیرهای چهارگانه مذهب، خانواده،

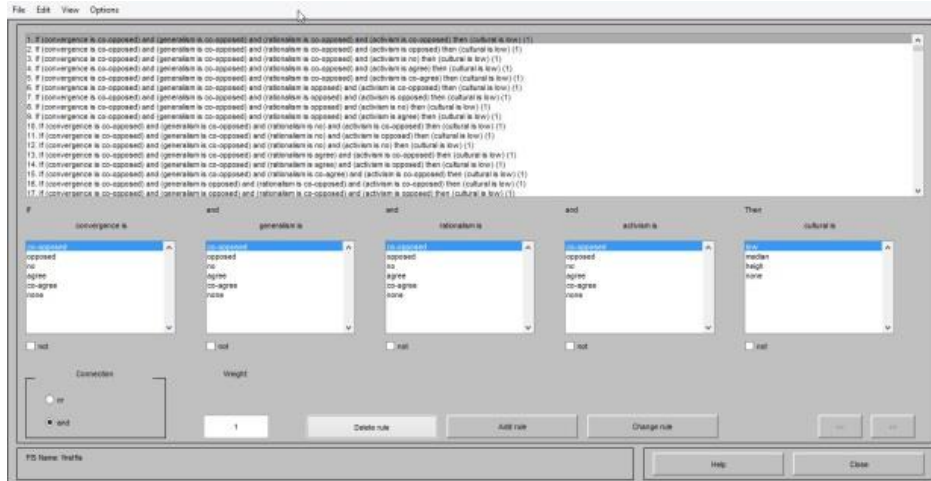


شکل ۱- مقادیر ورودی در سیستم فازی-عصبی تطبیقی برای سنجش سرمایه فرهنگی

در این شکل، مقدار حداکثری ورودی اول یعنی میزان همگرایی به حداکثر واقعی براساس داده‌های میدانی یعنی ۳/۱۲، مقدار حداکثری ورودی سوم یعنی میزان خردگرایی به حداکثر واقعی براساس داده‌های میدانی یعنی ۳/۶ و مقدار حداکثری ورودی چهارم یعنی میزان فعال‌گرایی

فرهنگی واقعی است. زمانی که همگرایی، عام‌گرایی، خردگرایی و میزان فعال‌گرایی فرد در حداکثر ممکن باشد، سرمایه فرهنگی فرد حداکثری است.

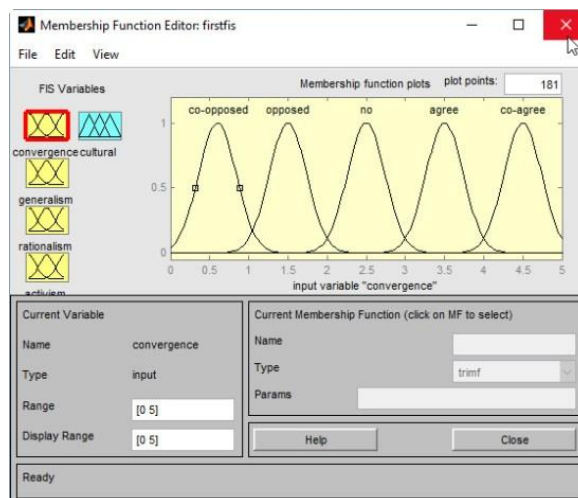
به حداکثر واقعی براساس داده‌های میدانی ۴/۰۴ تغییر یافته است. در این حالت میزان سرمایه فرهنگی ۴ محاسبه شده است که براساس داده‌های میدان بالاترین میزان سرمایه



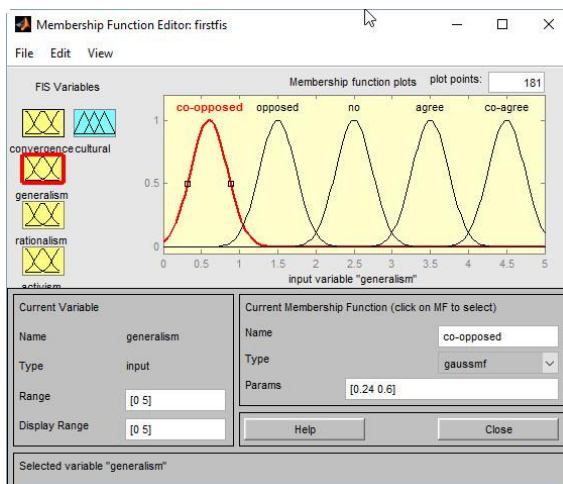
شکل ۲- نمایی از قواعد فازی (سرمایه فرهنگی)

retionalism (خردگرایی) و activism is (فعال‌گرایی) نشان دهنده حالت‌های پنج‌گانه خیلی مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و خیلی موافق ورودی‌ها هستند. جعبه output is نشان دهنده میزان هر خروجی در متغیر مدرنیسم است. در این بخش شکل‌های بدست آمده از مولفه‌های سرمایه فرهنگی درونی شده با هدف نمایش یافته‌های مرتبط با آنها ارائه می‌شوند.

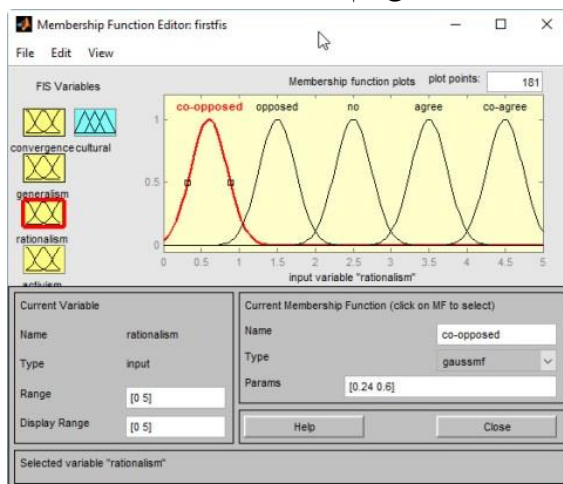
در اینجا چون امکان نمایش تمامی حالات ۶۲۵ گانه قواعد فازی به علت طولانی بودن در یک تصویر امکان‌پذیر نبود، از قاعده اول تا قاعده هفدهم در شکل فوق نمایش داده شده‌اند. همچنان که ملاحظه می‌گردد، در هر قاعده، ابتدا با If و بعد از آن ورودی سوم آورده شده است. نتیجه نیز با Then و سپس وضعیت خروجی عنوان شده است. چهار جعبه is convergen (همگرایی) و is generalism (عام‌گرایی)،



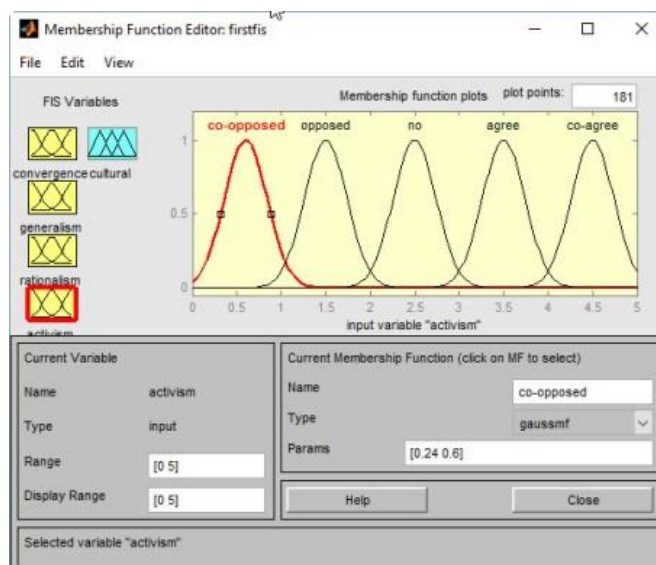
شکل ۳- نمایی از سطوح همگرایی در ماشین فازی سرمایه فرهنگی



شکل ۴- نمایی از سطوح عام گرایی در ماشین فازی سرمایه فرهنگی



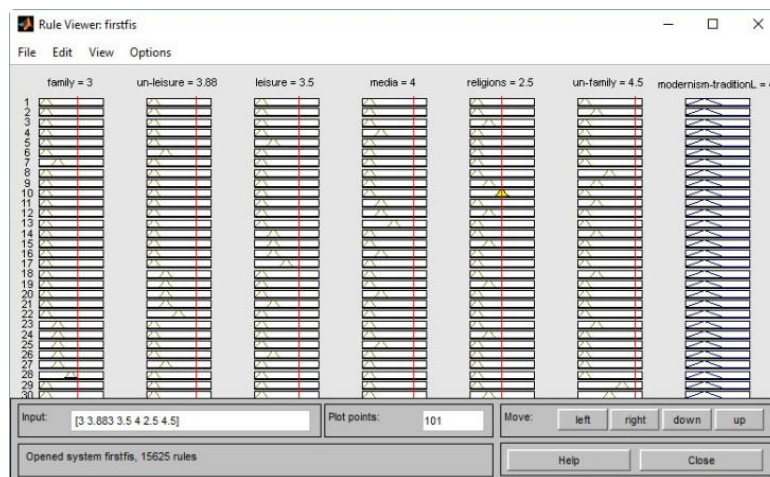
شکل ۵- نمایی از سطوح خرد گرایی در ماشین فازی سرمایه فرهنگی



شکل ۶- نمایی از سطوح فعال گرایی در ماشین فازی سرمایه فرهنگی

دامنه تغییرات است. لازم به ذکر است که سطح پایین در بازه ۰ تا ۲، سطح متوسط در بازه ۲ تا ۳ و سطح بالا در بازه ۳ تا ۵ تعیین شده است. در اینجا ترکیب ورودی‌های ماشین فازی سزمايه فرهنگ درونی شده فرد براساس عملگر "و" صورت گرفته است. استنتاج بر مبنای تابع min و تجميع براساس تابع max انجام شده است و در قالب منحنی مثلثی نمایش داده شد.

همچنان که در شکل‌های فوق ملاحظه می‌گردد، سه منحنی مثلثی در سطوح پایین، متوسط و بالا (مولفه‌های سرمایه فرهنگی درونی شده) را نشان می‌دهند. محور افقی، داده‌های بدست آمده از میدان را نمایش می‌دهد که در یک مقیاس پنج قسمتی از صفر تا پنج تعریف شده بودند و محور عمودی، درجه عضویت فازی را نشان می‌دهد که از صفر تا یک است که براساس اشکال فوق،

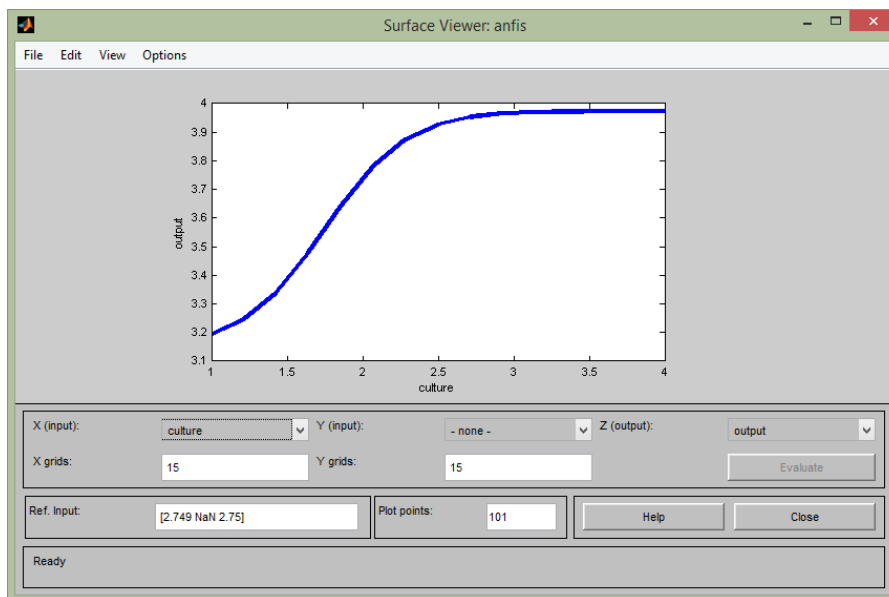


شکل ۷- مقادیر ورودی در سیستم فازی-عصبی تطبیقی برای سنجش مدرنیسم

حداکثری است و در واقع فرضیه تحقیق در سیستم فازی مورد تایید قرار گرفته است. یعنی اول اینکه اگر فرد از حداکثر سرمایه فرهنگی برخوردار باشد، به مدرنیسم در متغیرهای چهارگانه میل پیدا می‌کند و اگر برخورداری وی از فقط سرمایه فرهنگی حداقلی باشد به سنت‌گرایی گرایش پیدا می‌کند. دوم اینکه اگر سرمایه فرهنگی را به همراه متغیرهای چهارگانه افزایش یا کاهش دهیم گرایش به مدرنیسم افزایش یا کاهش پیدا می‌کند.

تغییر در ورودی سرمایه فرهنگی و تاثیر آن بر خروجی مدرنیسم: در این حالت ورودی مدرنیسم را ثابت نگه داشته و تاثیر تغییر در ورودی سرمایه فرهنگی را بر خروجی گرایش مدرنیسم را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نمودار تغییرات به شکل زیر خواهد بود:

در شکل هفتم، در متغیرهای مدرنیسم مقدار حداکثری ورودی اول یعنی میزان خانواده رسمی به حداکثر واقعی براساس داده‌های میدانی یعنی ۳ تغییر یافته است. به همین ترتیب مقدار حداکثری ورودی دوم یعنی میزان فراغت غیررسمی به $3/88$ میزان فراغت رسمی به $3/5$ و مقدار حداکثری ورودی چهارم یعنی میزان رسانه به ۴ و مقدار حداکثری ورودی پنجم یعنی میزان مذهب به $2/5$ تغییر یافته و مقدار حداکثری ورودی ششم یعنی میزان خانواده غیررسمی به $3/7$ تغییر یافته است. در این حالت میزان مدرنیسم ۴ محاسبه شده است که براساس داده‌های میدان بالاترین میزان مدرنیسم واقعی است. زمانی که فراغت غیررسمی فرد، میزان رسانه غیررسمی فرد، مذهب غیررسمی فرد و خانواده غیررسمی در حداکثر ممکن باشد، مدرنیسم فرد



شکل ۸- تغییر در ورودی سرمایه فرهنگی فرد و تاثیر آن بر خروجی مدرنیسم

در پی همراه است.

در این پژوهش با هدف دوری جستن از تک ساحتی دیدن عوامل و با ارائه طرح نظری نوینی در رابطه با مقوله مدرنیسم، اقدام به ساخت گونه‌های مدرنیسم در متغیرهای چهارگانه با توجه به سرمایه فرهنگی درونی شده فرد در جامعه نمودیم. نتایج بدست آمده از میدان به روشنی نشان داد که متغیرهای الگویی سرمایه فرهنگی و ابعاد درونی شده آن در رابطه با گرایش مدرن به ندرت منفک از یکدیگر عمل می‌کنند و این تاثیر ترکیبی و تعاملی آنهاست که منجر به شکل‌گیری گونه‌ای خاص از کنش مدرن می‌شود. چیزی که پس از انجام پژوهش نیز داده‌های میدان آن را تایید می‌کرد. به نظر آنچه که در واقعیت، تفاوت بین نقش‌های مختلف در جامعه را از نظر توزیع سرمایه فرهنگی و مدرنیسم مشخص می‌ساخت، تفاوت در میزان‌های هر یک از این متغیرها بود. ماهیت غیرقطعی عواملی که مورد پژوهش قرار گرفتند، این واقعیت را آشکار ساخت که تحلیل آنها نیز بایستی با اتخاذ رویکردی صورت گیرد که با این ماهیت متناسب باشند که رویکرد فازی انتخاب شد. رویکرد فازی در این پژوهش امکان مدرج سازی عوامل را فراهم آورد که این امر نیز به نوبه خود ورود آنها را به فضای

همچنان که در این شکل ملاحظه می‌گردد، چنان چه ورودی مدرنیسم را ثابت نگه داریم، با افزایش میزان سرمایه فرهنگی، میزان مدرنیسم افزایش یافته و سپس تقریباً ثابت می‌ماند. یعنی با افزایش میزان سرمایه فرهنگی از حداقل واقعی آن یعنی ۱ ابتدا مدرنیسم از حدود ۲/۳ شروع شده و با افزایش سرمایه فرهنگی به تدریج افزایش می‌یابد تا به حدود ۳ برسد در این نقطه با افزایش میزان سرمایه فرهنگی از ۳ تا حدود ۴، میزان مدرنیسم در این نقطه ثابت می‌ماند.

تحلیل یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری

در تلقی از مدرنیسم، مدرن شدن از منظر جامعه شناختی فرایند بدست آوردن آگاهی، بازآوری و ارزیابی انتقادی مستمر از خود به منظور کسب بهترین الگوی تطابق با شرایط محیطی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است. در این دیدگاه هر جامعه‌ای متناسب وضعیت خاص خود فرایندی منحصر به خود از مدرن شدن را طی می‌کند، فرایندی که ممکن است با جوامع مشابه خود وجوهی مشترک، و با جوامع دیگر اشتراکات کمتری داشته باشد، اما در هر صورت، کلیت مدرنیته هر جامعه‌ای منحصر به فرد است. بنابراین فرایند مدرن شدن همواره در ماهیت خود نوعی انطباق با بومی‌سازی پی

چند بعدی ممکن ساخت. همچنین نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات سرمایه فرهنگی کوهن و همکاران (۲۰۱۷)، الین گاورلیوک و دنا گاورلیوک (۲۰۱۴، «سرمایه‌ی نمادین و ابعاد سرمایه فرهنگی، یزدان‌پناه و همکاران (۱۳۹۷)، تمنا و صمدی (۱۳۹۵)، فائقی و باینگانی (۱۳۹۵)، در متغیر مدرنیسم با پژوهش سفیری و همکاران (۱۳۹۴)، زاهدی و خضرنژاد (۱۳۹۲) در «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در خانواده‌های شهر بوکان»، همخوانی بیشتری نسبت به سایر تحقیقات را نشان داد.

نتایج حاصله نشان داد که فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده بر مدنیسم در بین جوانان تایید شده است و مدرنیسم از سرمایه فرهنگی تاثیر می‌پذیرد به طوری که هرچه برخورداری فرد از سرمایه فرهنگی با چهار مؤلفه «فعال‌گرایی، خردگرایی، عام‌گرایی و همگرایی» بیشتر باشد، مدرن‌گرایی بیشتر می‌شود و فرضیه فرعی نیز تایید شده است که هر چه برخورداری فرد از سرمایه فرهنگی با چهار مؤلفه «فعال‌گرایی، خردگرایی، عام‌گرایی و هم‌گرایی» بیشتر باشد، گرایش به متغیرهای مدرن (مذهب، خانواده، گذران اوقات فراغت و منابع ارتباط جمعی) بیشتر خواهد شد. یعنی اگر مقادیر شاخص‌های سرمایه فرهنگی را افزایش دهیم مقدار مدرنیسم در ابعاد چهارگانه نیز افزایش می‌یابد. این مطالعه نشان داد که عامل متغیرهای الگویی چهارگانه سرمایه فرهنگی درونی شده در ابعاد قابل سنجش مدرنیسم از جمله اجتماعی (اوقات فراغت و خ انواده، برابری خواهی (خانواده و مذهب و منابع ارتباط جمعی) غرب‌گرایی (خانواده و مذهب) در زمانه بودن (منابع ارتباط جمعی و اوقات فراغت)، دنیاگرایی (خانواده و مذهب منابع ارتباط جمعی و اوقات فراغت) موثرند و هر چه میزان آنها بیشتر شود امکان سوق دادن فرد به انتخاب گونه‌هایی از زندگی مدرن در متغیرهای مدنظر افزایش خواهد یافت و این با نتایج پژوهش‌های

هویت مدرن، استفنسون (۱۹۶۸) و اشناپیرگ و آرمر (۱۹۷۲) اینگلهارت (۱۳۷۳) انتخاب‌های فردی در سبک و جوانب زندگی مانند نحوه تشکیل خانواده، گذران اوقات فراغت در پژوهش اینکلس (۱۹۷۵)، نتایج تحقیقات انجام شده، توسط ساروخانی و قاسمی (۱۳۹۱) در رابطه هویت خانوادگی با هویت مدرن (محمدزاده و حاجیانی، ۱۳۹۶)، «در زمانه بودن» منابع ارتباط جمعی پژوهش ساروخانی و میرزایی ملکیان (۱۳۸۹) و موضوع آشنایی و استفاده از کامپیوتر و اینترنت و نتایج تحقیقات اشناپیرگ (۱۹۷۰) (شاخص رسانه‌های جمعی) و موضوع اطلاع از تکنولوژی‌های جدید و علاقه‌مندی به استفاده از آنها در پژوهش‌های اینکلس (۱۹۷۵) قرابت و نزدیکی قابل ملاحظه‌ای دارد (محمدزاده و حاجیانی، ۱۳۹۶). همچنین نتایج این تحقیق با یافته‌های تحقیقات پیشین که تغییرات معاصر خانواده‌های ایرانی را در فردگرایانه شدن ازدواج، گسترش روابط پیش از ازدواج، افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسب‌های خانوادگی، کاهش گفتمان خانواده‌گرایی، کاهش اهمیت فرزندآوری، گسترش از هم گسیختگی پیوندهای خانوادگی و به دنبال آن افزایش میزان طلاق، کاهش گرایش به تشکیل خانواده و در مقابل افزایش گرایش به زندگی مجردی دیده‌اند تطابق قابل ملاحظه‌ای دارد که در این پژوهش تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده به وضوح احساس شده است (چراغی کوتیانی، ۱۴۰۰). یکی دیگر از یافته‌ای این پژوهش تاثیر سرمایه فرهنگی درونی شده در گرایش به گذران اوقات فراغت به شکل مدرن است که با نظر بوردیو در عرصه فراغت که می‌گوید این متغیر متأثر از سرمایه‌ای است که در هر میدان شکل می‌گیرد که منجر به سبک زندگی خاصی به صورت عادت واره می‌شود (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷) و اینکه اوقات فراغت نزدیک‌ترین پیوند را با زندگی فرهنگی افراد دارد به نحوی که افراد شخصیت و ذات خود را در نحوه گذران

عناصر انتقادی، علم‌گرایی و عرفی شدن باورها و مذهب را در بر می‌گیرد و ناظر است بر کاهش تعصبات مذهبی و نشان دادن تسامح بیشتر نسبت به ادیان مختلف، توجه به کمال انسانیت افراد صرف نظر از نوع عقاید مذهبی آنها، تقدس‌زدایی از امور مختلف و تکررگرایی در عقاید مذهبی و اثری که سرمایه فرهنگی درونی شده بر این متغیر دارد، قرابت دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکردی که به نظر می‌رسد قابل دفاع باشد. تلفیق متوازن سنت و مدرنیسم است به این شکل که هر عنصر در جایگاه واقعی خویش و به اندازه نیاز حضور داشته باشد و معیار این حضور را شرایط جامعه و مقتضیات آن مشخص می‌سازد. (خلیلی، سمانه و همکاران، ۱۳۹۴). خلاصه تطبیق نتایج با پیشینه پژوهش را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

اوقات فراغت خود نشان می‌دهند، در واقع سرمایه فرهنگی با تعیین چارچوب‌هایی انتخاب افراد را در این بخش از زندگی تحت تاثیر خود قرار می‌دهد همخوانی و قرابت دارد (ریترز، ۱۳۷۴).

همچنین نتایج بدست آمده با نتایج بررسی‌هایی که اذعان می‌دارند که مسئله فن‌آوری در ظهور جامع اطلاعاتی بسیار حائز اهمیت است و جنبه‌های فرهنگی نیز به همان اندازه در پیدایش آن موثر است و در ایجاد پایگاه‌های مجازی، بستر فرهنگی بشر تاثیرگذار بوده و به کاربران این رسانه‌ها خط‌مشی فرهنگی داده و الگوسازی می‌کند و به عبارت دیگر این سطح از اطلاعات از لحاظ فرهنگی بر همه زمینه‌های زندگی نفوذ کرده، هویت و شخصیت ما را متأثر و دگرگون کرده است، قرابت و نزدیکی دارد (کاستلز، ۱۳۸۵).

در ادامه می‌توان به نزدیکی نتایج این تحقیق با تحقیقاتی که اذعان داشته‌اند که بعد فرهنگی که سه

تطبیق نتایج با پیشینه پژوهش

نتیجه	نظریه
کاهش یا افزایش متغیرهای الگویی به کاهش یا افزایش سرمایه فرهنگی نمادین می‌انجامد.	متغیرهای الگویی پارسونز و سرمایه نمادین بوردیو
جامعه مورد پژوهش در ابعاد اجتماعی، غرب‌گرایی، در زمانه بودن و دنیاگرایی از مدل مفهومی طراحی شده تبعیت می‌کنند. یعنی هرچه گرایش به این ابعاد زیاد باشد گرایش به مدرنیسم زیادتر می‌شود.	محمدزاده و حاجیانی (۱۳۹۶)
تایید کننده بعد دنیاگرایی در متغیرهای چهارگانه است.	سرمایه فرهنگی کوهن و همکاران (۲۰۱۷)
تایید تاثیر سرمایه فرهنگی بر خانواده، مذهب، گذران فراغت و منابع ارتباطی	یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۷)، تمنا و صمدی (۱۳۹۵)، فائق و باینگانی (۱۳۹۵)، در متغیر مدرنیسم با پژوهش سفیری و همکاران (۱۳۹۴)، زاهدی و خضرنژاد (۱۳۹۲)

<p>نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکردی که به نظر می‌رسد قابل دفاع باشد. تلفیق متوازن سنت و مدرنیسم است. توازن حکایت از نوعی ترکیب معنادار دارد به این شکل که هر عنصر در جایگاه واقعی خویش و به اندازه نیاز حضور داشته باشد و معیار این حضور را شرایط جامعه و مقتضیات آن مشخص می‌سازد.</p>	<p>(خلیلی، سمانه و همکاران ۱۳۹۴)</p>
--	--

معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی. زارع، بیژن و فلاح، مهدی (۱۳۹۱). سبک زندگی جوانان شهر تهران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی سال ۲، شماره ۵. زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۶). توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.

زاهدی، محمدجواد و خضرنژاد، عمر (۱۳۹۲). نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در خانواده‌های شهر بوکان، فصلنامه جامعه‌شناسی، دوره ۱۴، شماره ۱.

جان‌علیزاده، حیدر، خوش‌فر، غلامرضا و سپهر (۱۳۹۰). سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۲.

چلبی، مسعود (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی، چاپ دوم. حاجیان، ابراهیم و درویشی، محسن (۱۳۹۲). گرایش ایرانیان به هویت مدرن، فصلنامه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۲، شماره ۴.

حیدری، آرمان و رضانی باصری، عباس (۱۳۹۴). بررسی رابطه جهت‌گیری ارزشی مدرن با هویت دینی و مقایسه جنسیتی آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان متوسطه شهر مرو دشت)، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره چهارم.

خادمیان، طلعت (۱۳۹۰). سبک زندگی و مصرف فرهنگی ایرانیان، تهران: انتشارات جهان کتاب، چاپ سوم. خلیلی، سمانه و همکاران (۱۳۹۴). رویکرد تلفیقی به فرهنگ ایران، جامعه پژوهی فرهنگی سال ششم شماره ۴.

خواججه نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر (۱۳۸۷). عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۹.

سالنامه آماری سال ۱۳۹۸ منتشره توسط سازمان مدیریت

همچنین با توجه به نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد توجه جدی به استفاده از شاخص‌های ترکیبی چندگانه در مطالعات فرهنگی و توجه ویژه به رویکردهای ترکیبی (کمی و کیفی) در روش‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با مطالعات سرمایه فرهنگی و همچنین نوگرایی و مدرنیسم، می‌تواند در تحلیل این پدیده در ابعاد و شاخص‌های بیشتری موثر باشد.

منابع

اسملسر، نیل (۱۳۵۳). نوسازی جامعه، ترجمه رحمت‌الله مراغهای و دیگران، تهران، جیبی. افشار کهن، ج (۱۳۸۳). بازخوانی جامعه‌شناسی سنت‌گرایی و تجدد طلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: انتشارات آوای نور.

بابایی، یحیی علی و باینگانی، بهمن (۱۳۹۰). بررسی تاثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۲.

برگر، پیتر و دیگران (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان؛ آگاهی و نوسازی، ترجمه: محمد ساوجی، تهران: نشر نی.

بشریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی تجدد، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره اول.

تمنا، سعید و صمدی، سمیه (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی فصلنامه، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲.

پویافر، محمدرضا (۱۳۹۲). سبک زندگی عرفی؛ بررسی رابطه تحولات سبک زندگی و عرفی شدن در جامعه ایرانی، ژرفاپژوه سال دوم تابستان و پاییز ۱۳۹۴ شماره ۴ و ۵.

ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران

- و برنامه‌ریزی استان لرستان. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ ظهور جامعه شبکه‌ای (جلد ۲)، ترجمه، احمد، علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کچویان، حسین (۱۳۹۰). نظریه‌های جهانی شدن: پیامد چالش‌های فرهنگ و دین، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- محمدزاده، حمیدرضا، حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۶). طراحی مدل سنجش هویت مدرن و اعتباریابی آن در جامعه ایران، تهران، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۹.
- بزدان‌پناه، رویا و بهیان، شاپور و جهانبخش اسماعیل (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر مقبولیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۱۹، شماره ۴۲.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). جهانی شدن و آینده‌ی دموکراسی، ترجمه‌ی کمال پولادی، تهران: نشر مرکز.
- هودشتیان، عطاء (۱۳۸۳). مدرنیته، جهانی شدن و ایران، تهران: چاپخش.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۵). یورگن هابرماس؛ نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Chohen, Mollie, J, Noam Lupu, Elizabeth, J. Zechmiester (2017) The political culture of democracy in the Americas, 2016/17, A Comparative Study of Democracy and Governance.
- Gaverliuc, Dana; Gavereliuc, Alin (2014): symbolic capital and cultural dimensions in Romanian educatial organizations, Procidia, social and behavior sciences 395-392, 127. Princeton University Press
- ساروخانی، باقر، قاسمی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر افزایش طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۲۱.
- سفیری، خدیجه و همکاران (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی گرایش به مدرنیته با سبک زندگی زنان جوان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۰.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۸۲). دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس.
- فانقی، سحر و باینگانی، بهمن (۱۳۹۵). سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی (مطالعه‌ی در میان شهروندان اصفهانی) جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال هفتم، شماره پاییز، ۱۳۹۵.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- قاسمی، وحید، حسن‌پور، آرش (۱۳۹۵). ساخت و طراحی و برآزش مدل سنجش سرمایه فرهنگی تهران، مجله جامعه‌شناسی دوره هفدهم، شماره ۱ و ۲.
- قاسمی، وحید و همکاران (۱۳۸۹). شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نوگرایی، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره پیاپی ۲۷.
- عمادی، جلال (۱۳۸۵). مبانی فلسفی مدرنیسم، تهران: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- علیزاده اقدم، محمدباقر و صالحی، ذاکر (۱۳۹۰). سبک زندگی رانندگان، مجله راهور، سال اول شماره یک.

یادداشت

^۱ Bourdieu, Pierre

^۲. Dimaggio

^۳ Parsons

^۴ Holub

^۵ Giddens

^۶ Smelser

^۷ Weber max

⁸ *Stephenson*
⁹ *Schnaiberg*
¹⁰ *Armer*
¹¹ *Ingelhart*
¹² *Inkels*
¹³ *Ritzer*

¹⁴ *Habermas*
¹⁵ *Berger*
¹⁶ *Chohen*
¹⁷ *Gaverliuc*